

درس‌های تجارت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبردهای تجارت نفت و گاز روسیه در دوران تحریم

سیدعبداله رضوی*

محمدباقر بیات**

چکیده

روسیه با توجه به استراتژی فعال در حوزه اقتصادی و انرژی علی‌رغم تحریم‌های آمریکا توانسته است سهم زیادی از بازارهای جهانی نفت را به خود اختصاص دهد. این کشور به دلیل اولویت حوزه نفت و گاز اقتصاد کشورهای اروپایی به منابع انرژی روسیه تا حدود زیادی تحریم‌های آمریکا را در حوزه نفت و گاز بی‌اثر نموده و حتی روسیه با ایجاد جبهه مشترک با کشورهای چین و ونزوئلا توفیقاتی علیه تحریم‌ها یا آمریکا به وجود آورده است. این مقاله راهبردهای روسیه در حوزه نفت و گاز را مورد بررسی قرار داده است. مهم‌ترین راهبردهای روسیه وابسته نمودن اقتصاد کشورهای اروپایی به نفت و گاز، تنظیم‌گری قیمتی، واگذاری سهام شرکت‌های نفتی دولتی به شرکت‌های بین‌المللی، توسعه خطوط لوله انتقال نفت و گاز، گسترش تولید گاز مایع و بازارهای آن و توسعه همکاری بلندمدت با برخی از رقبای نفتی ایران نظیر عربستان و عراق است. همچنین، با توجه به جدی بودن تحریم‌ها توسط اروپایی در سرمایه‌گذاری‌های مشترک با روسیه، استراتژی این کشور از اروپا به کشورهای آسیایی تغییر یافته است. در این میان رویکرد ایران برای استفاده از ظرفیت روسیه به عنوان همکار یا رقیب در حوزه نفت و گاز قابل ملاحظه است. در این مقاله درس‌آموخته‌های روسیه در حوزه‌های فوق برای کشور ارائه شده است. روسیه با برقراری دیپلماسی فعال با کشورهای آسیایی که بیشتر این کشورها در مقابل تحریم‌ها مقاومت کرده‌اند، در حال جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی بوده و با این راهبرد کاهش روابط با کشورهای غربی را جبران نموده است. انتقال نفت از

Srazavi@put.ac.ir

* عضو هیئت‌علمی دانشگاه صنعت نفت (نویسنده مسئول)

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

mohammad.bayat7@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۰۵

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال هشتم، شماره بیست‌ونهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۵۴-۱۱۱

طریق خطوط لوله از عوامل تأمین امنیت تقاضای نفت را به همراه داشته و بر این اساس روسیه یکی از سیاست‌های راهبردی خود را در حیطه حمل‌ونقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله اتخاذ نموده است. افزایش نقش شرکت‌های بین‌المللی در روسیه از استراتژی این کشور برای به دست آوردن فناوری یا دسترسی یافتن به شبکه صادرات گاز و نفت آن‌ها است.

واژه‌های کلیدی: روسیه، ایران، راهبرد نفت و گاز، تحریم

طبقه‌بندی JEL: F13, 21, N74, Q48



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده نفت خام و سومین تولیدکننده اوپک در جهان مطرح بوده و همچنین در حدود ۴ درصد از تولید نفت جهان را تا قبل از تحریم‌ها عهده‌دار بوده است، با موانعی از قبیل تحریم واردات نفت خام آمریکا و همچنین الگوپذیری از کشورهای مصرف‌کننده در جهت بازی با قیمت نفت خام مواجه است. ایران در تحریم‌های اعمالی در سال ۲۰۱۲ در حوزه‌های فروش نفت و بیمه محموله‌های نفتی، حوزه بانکی و مالی، مورد هدف قرار گرفت و اساساً چارچوب این تحریم‌ها، فروش نفت خام و درآمدهای نفتی ایران را تحت تأثیر شدید قرارداد، به‌طوری‌که تمرکز این تحریم‌ها بر بازرگانی کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز منطقه آسیا از هرگونه خرید و فروش نفت خام و فرآورده‌های نفتی از ایران بوده است. مهم‌ترین تحریم‌های حوزه نفت ممنوعیت واردات، حمل و نقل و بیمه نفت و تأمین مالی پروژه‌های نفت و گاز ایران بوده است. یکی از مشکلات ایران در سال‌های اخیر ممنوعیت‌های یادشده در مورد فروش نفت و فرآورده‌های نفتی با توجه به وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی بوده به‌طوری‌که بازارهای خود را تا حدود زیادی از دست داده است. از این سو تجربه و راهبردهای سایر تولیدکنندگان در شرایط مشابه می‌تواند به بهبود وضعیت کشور در حوزه نفت و گاز کمک شایانی نماید.

از سوی دیگر، روسیه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت خام و گاز طبیعی جهان است. با توجه به سطح تولید بالای نفت و گاز طبیعی، سهم قابل توجهی از رشد اقتصادی این کشور به صادرات انرژی وابسته

است. درآمد نفت و گاز طبیعی در سال ۲۰۱۶ به ۳۶٪ از درآمد بودجه فدرال روسیه اختصاص یافته است. روسیه سومین تولیدکننده بزرگ نفت خام و میعانات گازی در جهان در سال ۲۰۱۶ (بعد از عربستان و ایالات متحده آمریکا) با متوسط تولید ۲,۱۱ میلیون بشکه در روز و دومین تولیدکننده گاز طبیعی است که ۲۱ تریلیون فوت مکعب تولید را به خود اختصاص داده است. (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۷: ۲) روسیه چهارمین تولیدکننده انرژی هسته‌ای در جهان است و پنجمین ظرفیت هسته‌ای نصب شده را دارد. سهم قابل توجه تولید نفت از عرضه جهانی و همچنین نقش تولیدکننده اول گاز جهان توسط روسیه، قدرت این کشور را در اقتصاد جهانی را بیش از پیش تقویت نموده است. با افزایش وابستگی جهان به انرژی و نیز ظهور روسیه به عنوان «برقدرت انرژی» قرن بیست و یکم، مسیرهای انتقال انرژی (خطوط لوله) از این کشور به بازارهای اروپایی و آسیایی، بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. در این ارتباط روسیه سهم بازار نفت خود را در چین افزایش داده و حتی در مقاطعی آن را به عنوان اولین صادرکننده بزرگ نفت به چین قلمداد نمود. از سوی دیگر، روسیه با سرمایه‌گذاری در حوزه «گاز مایع»^۱ در حال افزایش قدرت خود در بازارهای آتی انرژی جهان است. در این میان روسیه در ایجاد اجماع میان کشورهای عضو اوپک با کشورهای غیر عضو این سازمان برای تنظیم بازار نفت با توجه به افت شدید قیمت نفت در سال ۲۰۱۶ (۲۸ دلار در هر بشکه) نقش راهبردی را به عهده داشت. ایران و روسیه در تحریم‌های اعمالی توسط ایالات متحده آمریکا در حوزه صنعت نفت و گاز از اشتراکاتی برخوردارند. آمریکا همچنان به دنبال افزایش فشار از طریق تحریم‌های اعمالی بر روسیه است. این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۸ شروع شد و توقف واردات فرآورده‌های نفتی از روسیه به آمریکا و ممنوع نمودن اعطای وام‌های بانک‌های آمریکایی به روسیه را شامل می‌شود. آمریکا همچنان در حال بررسی تأثیر این تحریم‌ها بر منافع امنیت ملی آمریکا است. البته توقف واردات نفت خام روسیه از سوی آمریکا تأثیر چندانی بر قیمت‌ها در بازار نداشته است اما

توقف دسترسی روسیه به وام‌های بین‌المللی تأثیر عمیقی بر اقتصاد این کشور داشته است. لذا به نظر می‌رسد نیاز به حضور محققین تحلیل راهبرد تجاری در حوزه نفت و گاز ایران و روسیه می‌تواند نقش بسزایی در صحنه بازار بین‌الملل نفت نقش در خشتی نمودن اثرات نامطلوب سیاست‌های بازیگرانی نظیر ایالات متحده آمریکا داشته باشد.

مقاله حاضر در پی بررسی به این سؤال است که راهبردهای روسیه در حوزه نفت و گاز در سطح بین‌الملل در مقابل تحریم‌های آمریکا برای حفظ سهم بازار خود چیست؟ موانع عدم گسترش جدی روابط تجاری روسیه و جمهوری اسلامی ایران در حوزه نفت و گاز با توجه به اشتراکات چه عواملی بوده است؟ و سؤال سوم این است که در صورت برطرف شدن موانع، روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی بازار بین‌المللی نفت در چه موارد تجاری نفت و گاز می‌تواند در شرایط تحریم به کمک کشور بیاید؟

تحقیقاتی که تاکنون در خصوص روسیه انجام شده بر روی مؤلفه‌های تجارت غیرنفتی، روابط بین‌الملل و جایگاه انرژی روسیه بوده است. نوآوری تحقیق حاضر در بررسی راهبردهای حوزه نفت و گاز به‌ویژه در شرایط تحریمی است که تاکنون تحقیقی در این حوزه انجام نشده است. به این منظور ابتدا مطالعاتی که در حوزه روسیه و روابط ایران با روسیه انجام شده، مورد بررسی قرار گرفته و سپس چارچوب نظری با تأکید بر بخش اشتراکات و استفاده از بازار بین‌المللی نفت و گاز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در ادامه راهبردها و سیاست‌های روسیه در حوزه نفت و گاز و حفظ بازارهای آن و پتانسیل آن در حوزه انرژی مورد تجزیه و تحلیل می‌گردد. در پایان موانع روابط تجاری در حوزه نفت و گاز و درس آموخته‌های این حوزه آورده شده است.

۱. ادبیات موضوع

برای دست‌یابی به نتایج مطلوب در هر پژوهش نیازمند بررسی ادبیات تولیدشده در آن حوزه هستیم. با توجه به اینکه مقاله به‌طور خاص به موضوع «درس‌های تجارت نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبردهای تجارت نفت و

گاز روسیه در دوران تحریم» پرداخته و مقاله یا کتابی علمی و پژوهشی به همین موضوع در منابع فارسی و انگلیسی توسط نگارندگان دیده نشده است، سعی می‌شود به حوزه‌های دیگر مرتبط با موضوع پرداخته شود. در این راستا سعی می‌شود چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها بررسی شود.

یکی از این ادبیات تولیدشده علمی و پژوهشی برای بررسی راهبردهای انرژی روسیه را «لوهان»^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر سیاست ایالات متحده و روسیه در تأمین انرژی اروپا» به نگرارش درآورده‌اند. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی به بررسی پیامدهای تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بر روسیه و رقابت در حال رشد بازار گاز مصرفی اروپا پرداخته و بعد از بررسی پیامدهای تحریمی ناشی از تقابل ژئوپلیتیک آمریکا و روسیه در شبه‌جزیره کریمه پس از الحاق کریمه به روسیه که منتج به تحریم‌های یک‌جانبه روسیه توسط ایالات متحده آمریکا تحت عنوان «زندانی روسیه» شد، به این نتیجه رسیده است که اختلافات ژئوپلیتیکی بین ایالات متحده و فدراسیون روسیه ثبات منابع انرژی اروپا و آلمان را تهدید می‌کند. اگر دولت ایالات متحده صادرات گاز روسیه را در آینده هدف قرار دهد، این امر، به طوری که بر پایه صنعتی اروپا و رقابت آن، تأثیر می‌گذارد.

در مقاله‌ای دیگر، «بولینو»^۲ و همکاران (۲۰۱۹) تحت عنوان «تحریم‌های ایران: پیامدهای بازار نفت» به بررسی پیامدهای تحریم‌های آمریکا بر بازار نفت پرداخته و به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر شرایط داخل کشور ایران و نیز بازار نفت در چهار سناریو مختلف بر اساس الگوبرداری KAPSARC پرداخته و از فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی با استفاده از ابزار KAPSARC برای تحلیل رفتاری (KTAB) استفاده کرده و به این نتیجه رسیده است که تحریم ایران حتی در بدترین حالت تأثیر شگرفی بر قیمت نفت در بازار جهانی نخواهد داشت و تنها موجب ایجاد بعضی تنش‌های اقتصادی در داخل اقتصاد ایران می‌شود. این شوک‌ها نظیر شوک

1. Sascha Lohmann

2. Carlo Andrea Bollino

تورمی و ایجاد نارضایتی‌های سیاسی از عملکرد آمریکا و حاکمیت ایران است. همچنین «زینوتدینا»^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «روسیه و اروپا تحت تحریم‌ها، با مطالعه موردی مشکلات توسعه انرژی» به روش تحلیلی توصیفی و بر مبنای داده‌های واقعی به بررسی مشارکت اقتصادی و اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک میان روسیه و اروپا و تحریم‌های فی‌مابین و نیز اعمال متقابل فدراسیون روسیه و اتحادیه اروپا در حیطه روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک متأثر از روابط سیاسی پرداخته و با بررسی و ارزیابی خطرات و چالش‌های توسعه اقتصادی متقابل در قاره اوراسیا در دوران تحریم‌های متقابل بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۲۰۱۴ پرداخته و به این نتیجه رسیده که اعمال متقابل تحریم‌ها بین جمهوری فدرال روسیه و اتحادیه اروپا منجر به کوچک شدن بازارهای میان این دو و ایجاد بازارهای جدید بین روسیه و چین و روسیه و ترکیه شده است و به این نتیجه رسیده است که روش بالا بردن کیفیت گفتگوها بهتر از روش اعمال متقابلان و تحریم‌ها پاسخگوی حل مسائل فی‌مابین است.

«نیون‌هام»^۲ (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «نفت، هویج و میله: منابع انرژی روسیه به‌عنوان یک ابزار سیاست خارجی» به بررسی تأثیر تقویت اهرم انرژی روسیه در سال‌های اخیر پرداخته است. وی به‌طور خلاصه منشأ این قدرت روسیه را در شبکه‌های انرژی یکپارچه اتحاد جماهیر شوروی سابق و نیز پیمان ورشو می‌داند. وی سپس به بررسی موارد اخیر استفاده از «قدرت نفت» توسط روسیه پرداخته است و بعد از بررسی متوجه شده است که روسیه از این اهرم هم برای پاداش به دوستان خود و هم برای مجازات دشمنان خود استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که روسیه از برخی کشورها نظیر ارمنستان، بلاروس و اوکراین تحت عنوان «نظارت کوچما» با انرژی یارانه‌ای به شدت حمایت کرده است و بعضی از کشورها را نیز مانند گرجستان، مولداوی، کشورهای بالتیک و اوکراین با استفاده از این اهرم قدرت و با ایجاد اختلال در

1. Ruslan Zaynutdinov

2. Newham

عرضه و افزایش قیمت‌ها مورد مجازات قرار داده است. وی بیان می‌کند که «قدرت جدید» روسیه امروزه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا روسیه با این اهرم در آینده نزدیک در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ با ابزار نفت و گاز است. در ادبیات تولیدشده فارسی نیز در این حوزه، متقی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «عمل‌گرایی راهبردی جمهوری اسلامی ایران و روسیه در چارچوب همکاری‌های راهبردی و شکل‌بندی‌های قدرت نظام جهانی»، روابط دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهند و سپس ویژگی‌های روابط ایران و روسیه را تجزیه و تحلیل می‌نمایند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عمل‌گرایی راهبردی به‌عنوان محور اصلی روابط جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف جغرافیایی است و این امر نیازمند به ائتلاف‌سازی، بی‌طرف‌سازی راهبردی، همکاری‌های راهکنشی و موازنه‌سازی ساختاری با بازیگرانی مانند روسیه است.

درجایی دیگر معین الدوله و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی روسیه»، امنیت انرژی را برای مصرف‌کنندگان یک پارامتر مهم در روابط بین‌الملل می‌داند. وی بیان می‌دارد که دسترسی به منابع انرژی و انتقال آن‌ها برای کشورهای غربی و حتی کشورهای در حال توسعه مهم است زیرا این منابع عاملی مهم برای رشد اقتصادی پایدار آن‌ها است. نتایج این پژوهش بعد از بررسی عملکرد کشورهای اروپایی و در حال توسعه در حوزه روابط سیاسی و اقتصادی انرژی نشان می‌دهد، از آنجایی که بیشتر تولیدکنندگان نفت در منطقه خاورمیانه هستند و این کشورها معمولاً دارای نظام‌های سیاسی بی‌ثباتی هستند و نیز دست یافتن به منابع انرژی با امنیت بالا برای این مصرف‌کنندگان قابل ملاحظه است و از طرفی چون روسیه با توجه به ثبات سیاسی در زمره کشورهای دارای منابع انرژی با امنیت بالا است، این امر مورد توجه بازارهای بین‌المللی انرژی است و موجب شده که مطلوبیت استفاده از این منابع برای کشورهای اروپایی و در حال توسعه بیشتر از سایر منابع انرژی مانند منابع انرژی کشورهای خاورمیانه شده است.

۲. چارچوب نظری

بر اساس هدف مقاله حاضر که بر روی بررسی راهبردهای روسیه در حوزه نفت و گاز به‌ویژه در شرایط تحریم تمرکز دارد. در این بخش، نظریات مهمی که بر روی عوامل مؤثر بر روی قیمت نفت (به‌عنوان متغیر بازار)، حمل و نوع قرارداد نفت تأثیر دارد، بررسی می‌گردد. لازم به ذکر است که انجام معاملات برای هیچ کالایی میسر نخواهد بود مگر آنکه عوامل تأثیرگذار بر روی قیمت آن کالا مشخص شود. در دیدگاه ناظر بر چشم‌اندازهای رشد اقتصادی جهان گرچه برخی کشورها (به‌ویژه ژاپن) موفق شده‌اند رشد اقتصادی را از بهره‌برداری از انرژی جدا سازند، اما در بیشتر کشورها بین این دو متغیر همبستگی شدیدی وجود دارد. (Stirling et al, 2010)

فرض‌هایی که در خصوص نرخ‌های جهانی رشد اقتصادی وجود دارد نشان‌دهنده تأثیر چشمگیر نرخ‌های منابع انرژی و روندهای قیمت انرژی بر روی این مهم است. از همین رو، چشم‌اندازهای رشد اقتصادی جهان نقش راهبردی در تأمین امنیت ملی انرژی دارد. جدای از فراهم بودن منابع انرژی، توانایی دسترسی یافتن به این منابع، یکی از چالش‌های عمده در راه تضمین عرضه انرژی برای برآورده ساختن رشد تقاضا در آینده است. موانع موجود در راه دسترسی به منابع انرژی شامل عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی و فناوری است. لذا تولیدکنندگان بزرگ و اصلی نقش راهبردی در تأمین انرژی ایفا می‌نمایند.

در رویکرد وابسته‌سازی قدرت‌های بزرگ اقتصادی به عرضه انرژی توسط تولیدکنندگان، بر روی وابستگی دائم به واردات انرژی تأکید شده است زیرا این امر قدرت و اختیارات تولیدکنندگان را در بازارهای انرژی بیشتر و نیز چانه‌زنی بین‌المللی آن‌ها را تقویت می‌کند. تحلیل‌گران بین‌المللی در اروپا نیز عبارت سلاح انرژی روسیه را برای اشاره به مخاطرات وابستگی به انرژی فدراسیون روسیه مطرح نمودند. (Simpson, 2010) گفتمان غیرقابل‌اعتماد بودن صادرات انرژی روسیه نیز در میان سیاست‌گذاران اروپا رواج زیادی دارد. برای نمونه، از آن به‌عنوان استدلال اصلی در تأیید احداث نیروگاه‌های هسته‌ای در لیتوانی و حمایت

از انواع طرح‌های مختلف کشیدن خطوط لوله گاز و نفت که روسیه را دور بزنند استفاده کرده‌اند.

برخلاف بازار جهانی و نقدی نفت، بازارهای گاز طبیعی به‌طور کلی سرشت منطقه‌ای خودشان را حفظ کرده‌اند. علت این امر بیشتر به این واقعیت بازمی‌گردد که گاز طبیعی در مقایسه با نفت، کالای کمتر ملموسی است و به شکلی قاطع متکی به نوع واحدی از زیرساخت انتقال یعنی خطوط لوله است. (Dick de et al, 2010) به‌جز بازار گاز آمریکای شمالی که البته استثنای قابل ملاحظه‌ای است، در بقیه بازارها قراردادهای بلندمدت که بر موافقت‌نامه‌های برداشت مبتنی هستند بر معاملات گاز سایه انداخته‌اند. معمولاً در این قراردادها قیمت گاز طبیعی به قیمت جایگزین اصلی آن که بیشتر نفت است گره خورده است.

در بازار گاز اوراسیا، طرف عرضه در دست چند عرضه‌کننده معدود متمرکز است که غالب‌ترینشان شرکت دولتی گاز پروم روسیه است؛ برعکس، ویژگی طرف تقاضای (خالص) در این بازار، چنددستگی بازیگران آن است که بیشتر کشورهای اروپایی و کشورهای جداشده از اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند. نظریات بازار که متمرکز در مؤلفه‌های قیمتی در بازار انرژی هستند، می‌توانند به تحلیل عوامل مؤثر بر قیمت نفت خام و گاز طبیعی کمک کنند. این عوامل را می‌توان در چارچوب عوامل «بنیادی»^۱ و «غیر بنیادی»^۲ تقسیم‌بندی نمود. (کافمن، ۲۰۱۰) به‌طور خلاصه این عوامل عبارت هستند از:

۲-۱. عوامل بنیادی

به‌طور کلی عوامل بنیادی تأثیرگذار بر قیمت نفت خام شامل عواملی می‌گردند که ریشه در صنعت نفت داشته و به‌طور مستقیم مرتبط با مسائل بازار نفت بوده و در نهایت عرضه و تقاضای نفت را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل، به‌طور عمده عبارت‌اند از: وضعیت تقاضای جهانی نفت خام، تغییرات و اختلالات در عرضه جهانی نفت خام، تغییرات فصلی تقاضا، وضعیت آب و هوایی، تغییرات در

1. Fundamental Parameters

2. Non Fundamental Parameters or Technicals

میزان خوراک پالایشگاه‌ها، تعمیرات و مشکلات پالایشی، وضعیت رشد اقتصادی، ظرفیت مازاد تولید، سطح ذخیره‌سازی‌ها، مسائل مرتبط با سیستم حمل‌ونقل و کشتیرانی. هر یک از عوامل یادشده به‌نوعی می‌توانند منجر به بروز اختلال در روند عادی عرضه و یا تقاضای نفت خام گردیده و از این طریق بر قیمت‌های نفت خام اثرگذار باشند. (کاملی، ۱۳۹۱)

از سوی دیگر، بالا بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها کشورهای خریدار نفت، منجر به عدم تمایل به خرید بیشتر و در نتیجه سطح قیمت پایین‌تر می‌گردد. چراکه در این حالت، خرید نفت خام توسط مصرف‌کنندگان، به حالتی اختیاری تبدیل می‌شود، درحالی‌که در وضعیت پایین بودن سطح ذخیره‌سازی‌ها، خرید برای خریداران به حالتی اجباری تبدیل شده که این به معنی تقاضای بالقوه بیشتر و قیمت‌های بالاتر است.

تغییرات فصلی تقاضا به معنی ایجاد تقاضای خاص برای فرآورده‌های خاص و متناسب با آن فصل است که این امر به‌نوبه خود منجر به تقاضای بیشتر و به طبع آن قیمت بالاتر برای نفت خام‌هایی می‌گردد که فرآورده موردنیاز بیشتری را می‌توان از آن‌ها و در شرایط خاص بازار، استحصال نمود.

مبانی حمل نفت خام

عدم تناسب موجود بین مبادی عرضه و تقاضای نفت خام، لزوم جابجایی آن را ضروری می‌سازد که انجام این کار با تحمیل هزینه‌های مرتبط با خود همراه است. به‌عبارت‌دیگر موضوع هزینه‌های حمل و میزان آن‌ها از جمله عوامل عمده تأثیرگذار بر قیمت‌های نفت خام بوده و به همین جهت هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان (و یا پالایشگران) می‌بایست از چگونگی و نحوه محاسبه آن به‌خوبی بااطلاع باشند. (لونی، ۲۰۱۳) دو روش برای انتقال نفت خام استفاده می‌شود، یکی از طریق خطوط لوله و دیگری استفاده از انواع نفت‌کش‌هاست. انتقال از طریق خطوط لوله معمولاً بر اساس قراردادهای بلندمدت دو و یا چندجانبه بین کشورهای هم‌جوار و یا مناطق با فواصل منطقی و لحاظ مسائل اقتصادی و ژئوپلیتیکی صورت می‌گیرد و معمولاً هزینه‌های مترتب بر آن، بر

اساس توافق‌های بلندمدت و دوجانبه، تعیین می‌گردد. از جمله این خطوط می‌توان به خطوط لوله: «باکو - جیحان»^۱، کرکوک - جیحان، خط لوله «سومد»^۲، خط لوله تنگیز - نووروسیسک یا «سی پی سی»^۳ و ... اشاره نمود (کاملی، ۱۳۹۱)؛ اما در روش حمل توسط نفت‌کش که بخش عمده انتقال نفت خام نیز به همین طریق صورت می‌گیرد، میزان هزینه حمل، بر اساس عوامل متعددی از جمله اندازه نفت‌کش، طول دوره سفر، نوع اجاره، هزینه سوخت، هزینه‌های بندری، بازرسی، بیمه و غیره و کاملاً بر اساس شرایط روز بازار تعیین می‌گردد.

عوامل ناشی از قراردادهای (بر مبنای دوره و مقدار برداشت)

قراردادهای نفت و حتی «ال ان جی»^۴ را بر اساس استراتژی تولیدکنندگان نفت از نظر ارتباط با تعداد مشتریان که بر اساس دوره و مقدار برداشت تعیین می‌گردد را به دو گروه قراردادی تقسیم نمود (درخشان، ۱۳۸۳):

۱- قراردادهای «تک محموله»^۵: معمولاً تولیدکنندگان نفت تمام قراردادهای خود را به صورت بلندمدت نمی‌بندند، بخشی از قراردادها که معمولاً حدود ۲۰ درصد از کل قراردادهای فیزیکی است را به منظور استفاده از شرایط بازار به صورت توافق در خصوص برداشت یک محموله با حجم مشخص و در دوره مشخص انجام می‌دهند.

۲- قراردادهای «بلندمدت»^۶: همان‌طور که از نام آن‌ها پیداست، دوره تحویل در این قراردادها طولانی بوده^(۷) و مقدار تحویل در قرارداد بر اساس دوره تحویل به محمولات مشخص و با «ضریب عملیاتی»^۷ معین، ذکر می‌گردد. این نوع از قراردادها حدود ۸۰ درصد از کل قراردادهای فیزیکی نفت خام را شامل شده که

-
1. Baku – Tbilisi – Ceyhan (BTC)
 2. Summed Pipeline
 3. Caspian Pipeline Consortium (CPC)
 4. LNG
 5. Spot Contracts
 6. Term Contracts
 7. Operational Tolerance

علت بالا بودن این سهم، ایجاد امنیت عرضه و تقاضا برای طرفین قرارداد است که از جهات مختلف از اهمیت بسزایی برای آن‌ها، برخوردار است.

عوامل قراردادهای (بر مبنای محل تحویل محموله)

از نظر چگونگی تحویل محمولات نفت خام نیز می‌توان قراردادهای را به دو گروه زیر تفکیک نمود:

۱- تحویل به صورت «فوب»^۱: در این حالت محمولات نفت خام در «بندر بارگیری»^۲ به خریدار تحویل گردیده و به همین جهت تمامی ریسک محموله در بندر بارگیری به خریدار منتقل گردیده و قیمت‌ها نیز بر همان مبنای بندر تحویل محاسبه و اعمال می‌گردد. به دلیل سادگی شرایط در این قراردادها و عدم درگیری فروشندگان به مسائل مربوط به حمل محموله، اختلاف ارقام بارگیری و تخلیه، بیمه، «کسری دریایی»^۳ و غیره، معمولاً عرضه‌کنندگان در شرایط عادی ترجیح می‌دهند که تحویل نفت خام‌های خود را تحت این نوع از قراردادها به فروش برسانند و به همین جهت حدود ۹۵ درصد از کل قراردادهای بر این مبنای برداشت می‌شوند.

۲- تحویل به صورت «سیف»^۴: در این نوع از قراردادها که سهم آن‌ها بسیار اندک و حدود ۵ درصد از کل قراردادهای را شامل می‌شود، محمولات نفت خام توسط فروشنده بارگیری و در محل مورد توافق (معمولاً بندر خریدار) به خریدار تحویل گردیده و کلیه هزینه‌ها از جمله حمل، بیمه، کسری دریایی و ... را نیز فروشنده متقبل می‌شود که البته این موارد در زمان تعیین قیمت مدنظر قرار گرفته و معمولاً در این موارد ملاک محاسبه برای تعیین مقدار محموله، مقدار خالص تخلیه‌شده در مخازن خریدار در بندر تخلیه است.

-
1. Free On Board (FOB)
 2. Loading Port
 3. Ocean Lose
 4. Cost, Insurance and Freight (CIF)

۲-۲. عوامل غیر بنیادی

عوامل غیر بنیادی مؤثر در قیمت‌های نفت خام به عواملی اطلاق می‌شود که در عمل منشأ آن‌ها خارج از صنعت نفت بوده، لکن به تناسب شرایط می‌توانند بر قیمت‌های نفت خام حتی گاه بیش از عوامل بنیادی نیز اثرگذار باشند. از این جمله موارد عبارت‌اند از: اقدامات سفته‌بازی برای کسب سود بیشتر در بازارهای بورس نفتی، کشمکش‌های سیاسی و ژئوپلیتیک، تغییرات در نرخ تسعیر، وضعیت بورس سایر کالاها، قیمت سایر حامل‌های انرژی جایگزین (نظیر گاز، ذغال سنگ، ...)، بروز اعتصاب، جنگ، تحریم‌ها و غیره که موجب اختلالات در عرضه می‌گردد (پینداییک، ۲۰۰۱).

بر این اساس عوامل متعددی را می‌توان در قیمت‌گذاری نفت خام مؤثر دانست. این وضعیت از آنجا نشأت می‌گیرد که به‌طور کلی و بر اساس نظریه کلاسیک بازار، قیمت یک کالا در بازار رقابت کامل یعنی در حالتی که اطلاعات کامل از مقدار دقیق و زمان تولید کالا در بازار وجود داشته و عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان متعدد مانع از بروز اختلالات قیمتی می‌گردند، با توجه به هزینه‌های نهایی تولید آن کالا و در حالت تعادل عرضه و تقاضا برای آن، تعیین می‌گردد. در حالی که بازار نفت، به‌طور معمول از چنین شرایطی برخوردار نبوده و همواره عدم اطمینان‌های موجود در این بازار، موجب بروز تغییرات قیمتی پیش‌بینی نشده می‌گردد که همین موضوع می‌تواند اثرات قیمتی ناشی از عدم وجود اطلاعات دقیق در بازار را افزایش دهد (کافمن، ۲۰۱۰).

به‌علاوه، یکی از حوزه‌های مهم و کاربردی در بازاریابی توجه به حوزه‌های فعالیت‌های بین‌الملل است. در واقع امروزه در بازاریابی تئوری‌های گسترده در حوزه بین‌المللی مطرح شده است که در این بخش از تحقیق سعی بر این داریم که به تشریح این موضوع بپردازیم. خود مفهوم بازاریابی بین‌الملل عبارت است از راهبردهای تجاری برای رساندن کالا و خدمات یک کشور به مشتریان در سایر کشورها به‌منظور کسب سود. بازاریابی بین‌المللی همچنین شامل عملیات تولید و فروش کالا و خدمات در بیش از یک کشور است، بدون آن‌که کالایی از مرزهای

اصلی یک کشور عبور کند. (جیلان ۲۰۱۲) لازم به توضیح است که مفهوم مراحل و اصول بازاریابی جنبه استاندارد دارد و در تمام بازارها و کشورها قابل اجراست؛ بنابراین وجه تمایز بازارهای بین‌المللی و بازارهای داخلی مربوط به حوزه فعالیت آن‌ها است. زمانی که رقابت به‌طور فزاینده‌ای پویا متمرکز و حرفه‌ای شده است به نظر می‌رسد که عملیات بازاریابی همچنان رویکردهای تمرکز بر بازار، تمرکز بر رقبا، تمرکز بر محصولات و تمرکز بر مشتری را تعقیب می‌کند. (ناظر و همکاران، ۲۰۱۰)

تحریم

تحریم به اعمالی گفته می‌شود که از سوی یک کشور علیه کشور دیگر به‌تنهایی یا به کمک کشورهای دیگر و برای مجازات این کشورها با اهداف محروم ساختن آن‌ها از انجام برخی مبادلات یا وادار ساختن آن‌ها به پذیرش هنجارهایی مهم و معین (از دید مجریان تحریم) اجرا می‌شود. تحریم بین‌المللی دارای گونه‌های مختلفی است:

تحریم‌های دیپلماتیک: به کاهش یا قطع روابط دیپلماتیک، مانند بستن سفارت‌ها می‌گویند.

تحریم‌های اقتصادی: این تحریم‌ها شامل کاهش یا قطع امکان تجارت است. معمولاً این تحریم‌ها در مورد جنگ‌افزارها و مبادلات تجاری با استثنا کردن موارد پزشکی و خوراکی شامل می‌شود. باید بین تحریم اقتصادی و تحریم بازرگانی که فقط برای اهداف اقتصادی و نه اهداف سیاسی صورت می‌گیرد، تفاوت گذاشت.

«تحریم بین‌المللی» در قانون بین‌المللی

هدف قرارگرفتن ممکن است ادعا کنند تحریم‌هایی که توسط یک کشور خاص یا یک سازمان بین‌المللی مثل سازمان بین‌الملل صورت گرفته، «غیرقانونی» یا «مجرمانه» است. در مورد تحریم‌های اقتصادی ادعا می‌شود حق توسعه نادیده گرفته شده است. در گزارشی از سازمان توسعه جهانی «IPO» در سال ۱۹۹۶

تحریم‌ها موردنقد قرار گرفته و آن را یک شکل مجازات جمعی (غیرقانونی علیه اعضای ضعیف و فقیر جامعه، نوزادان، کودکان، بیماران و سالخوردگان) توصیف کرده است.

دلایل تحریم بین‌المللی

فرمول‌بندی تحریم‌ها به سه دسته کلی تقسیم می‌گردد. این دسته‌ها از نظر شرایط سیاسی که ناشی از ماهیت جهانی قانون است باهم فرق می‌کنند. دسته اول تحریم‌هایی هستند که هدفشان مجبور کردن به همکاری با حقوق بین‌الملل است. نمونه‌ای از این نوع تحریم را در ۶ آگوست ۱۹۹۰ علیه عراق شاهد بودیم. تحریم‌ها پس از آغاز حمله به کویت اعمال شد. دسته دوم تحریم‌هایی هستند که در یک مرزبندی جغرافیایی قصد دارند تهدیدها را به صلح تبدیل کنند. بحث گسترش هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۰ یک نمونه معاصر از این نوع تحریم‌هاست. دسته سوم شامل تحریم‌هایی است که شورای امنیت سازمان ملل علیه یکی از کشورهای عضو/غیرعضو خود اعمال می‌کند.

تحریم‌ها از سه جنبه هدف، مخاطب، روش تحریم‌ها باهم متفاوت است. تحریم‌ها بر اساس اهداف، به دو نوع تحریم باهدف استراتژیک و تحریم باهدف تغییر رفتار تقسیم می‌شوند. در تحریم باهدف استراتژیک؛ منافع استراتژیک یک کشور در معرض خطر قرار دارد که در این صورت تحریم جایگزین جنگ می‌شود. هزینه‌اش از جنگ کمتر هست و برای کشور یا کشورهای اعمال‌کننده کاملاً قابل توجیه است. حالت دوم، تحریم باهدف تغییر رفتار است. در این حالت، تحریم همه‌جانبه نخواهد بود و تغییر رژیم و بی‌ثبات کردن آن موردنظر نیست. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶-۵)

از نظر مخاطب، تحریم به سه نوع تحریم یک‌جانبه، تحریم چندجانبه و تحریم سازمان ملل تقسیم می‌شود. در تحریم یک‌جانبه، کشور فرستنده تحریم بر اساس تصمیم یک‌طرفه خود تحریم را اعمال می‌کند. تحریم چندجانبه از سوی چند کشور علیه کشور هدف صورت می‌گیرد. سوم تحریم سازمان ملل است که به وسیله شورای امنیت اعمال می‌شود.

۳. برنامه‌های اقتصادی و نفتی روسیه

روسیه با تاراج دارایی‌های عمومی تحت عنوان برنامه خصوصی‌سازی پس از فروپاشی شوروی مواجه بود. با اصلاحات اقتصادی پوتین کنترل دولت بر بخش‌های خصوصی گسترش یافت. این برنامه‌ها باهدف دسترسی به دارایی شرکت‌هایی که در زمان ریاست جمهوری یلتسین و از راه معاملات مشکوک به اقلیتی از اعضای حاکم تعلق‌گرفته بود انجام شد. (Cooper, 2019) در برنامه اصلاحات پوتین، دولت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مالکیت شرکت‌های خصوصی را برعهده‌گرفته است. راهبردهای کلان برنامه‌های اقتصادی پوتین سه موضوع اصلی را دنبال می‌کرد.

- ایجاد یک اقتصاد ترکیبی شامل بخش دولتی و بخش خصوصی
- افزایش سرمایه‌گذاری در منابع طبیعی برای تقویت زیربنای اقتصادی کشور
- تمرکز بر بخش انرژی و حضور قدرتمندتر مدیریت دولتی در این بخش
در روسیه از نظر راهبردی مدلی که توسط پوتین و همکارانش اجرا شده باهدف کنترل مسیر دارایی‌های حاصل از نفت و گاز و هدایت آن‌ها به سوی صنایع تولیدی و افزایش ظرفیت جذب اقتصادی روسیه است لذا نقش کلیدی روسیه در تأمین انرژی جهان این کشور را به یکی از بازیگران اصلی در بازارهای بین‌المللی نفت و گاز تبدیل نموده است. اهم برنامه‌های حوزه انرژی روسیه عبارت‌اند از:

- ۱- تنوع‌سازی منابع عرضه.
- ۲- تنوع‌سازی مناطق عرضه.
- ۳- توسعه زیرساخت‌های انتقال انرژی.
- ۴- مشارکت فعال در بازارهای بین‌المللی انرژی، بازارهای مالی بین‌المللی و انرژی و سازمان‌های بین‌المللی

۴. راهبردهای تجارت روسیه در حوزه نفت و گاز

روسیه یک دولت نفتی نسبتاً نامعمولی است. صادرات این کشور هیدروکربن‌ها، فلزات، رآکتورهای هسته‌ای، سامانه‌های تسلیحاتی بوده است و در سال‌های اخیر نیز در صدور غلات نقش مهمی دارد. در حال حاضر رهبران روسیه بر لزوم

نوسازی در بخش صنایع و سیاست‌های اقتصادی تأکید دارند. اقتصاد روسیه نسبتاً توسعه یافته و متنوع شده است. روسیه دارای یک شرکت ملی نفت انحصاری نیست؛ زیرا که بیشتر نفت روسیه (حدود ۶۰ درصد) توسط شرکت‌های خصوصی تولید می‌شود.

روسیه ویژگی‌های یک دولت نفتی را دارد. رهبران سیاسی این کشور بر شرکت‌های نفت خصوصی روسیه اعمال نفوذ شدیدی می‌کنند و حضور شرکت‌های بین‌المللی نفت در روسیه نیز بسیار محدود است. روسیه برای این که از فشار تحریم‌ها خارج شود اقدام به استفاده از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی کرده است. از این رو روسیه سیاست‌های جدیدی را برای مقابله با تحریم‌ها اتخاذ کرده است که در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. سیاست‌های مالی روسیه در حوزه نفت و گاز برای مقابله با تحریم‌ها

آمریکا درصدد افزایش فشار از طریق تحریم‌های اعمالی بر روسیه است. این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۸ توسط آمریکا تشدید شد و توقف واردات فرآورده‌های نفتی از روسیه به آمریکا و ممنوع نمودن اعطای وام‌های بانک‌های آمریکایی به روسیه را شامل می‌شود. آمریکا همچنان در حال بررسی تأثیر این تحریم‌ها بر منافع امنیت ملی آمریکا است. البته توقف واردات نفت خام روسیه از سوی آمریکا تأثیر چندانی بر قیمت‌ها در بازار نداشته است اما توقف دسترسی روسیه به وام‌های بین‌المللی تأثیر عمیقی بر اقتصاد این کشور داشته است. (اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۹) به‌عنوان نمونه یکی از سیاست‌های مقابله روسیه با تحریم‌های آمریکا، حذف دلار از معاملات نفتی خود بوده است. به‌عنوان مثال روسیه در مبادلات نفتی خود با چین، ابتدا مطالبات خود را به جای دلار با یوان گرفته و سپس یوان را در چین به طلا تبدیل کرده به روسیه انتقال داده است. این کشور در یازده ماه ابتدایی سال ۲۰۱۸ حدود ۳۱۸ هزار بشکه در روز فرآورده‌های پالایشی و ۶۷ هزار بشکه در روز نفت خام از روسیه وارد نموده است. پوتین تحریم‌ها را علیه روسیه ابزار مؤثری نمی‌داند و درصدد گفتگوی بیشتر میان مشتریان نفت و گاز این کشور و تقویت همکاری‌ها است. (اداره اطلاعات انرژی

آمریکا، ۳، ۲۰۱۹) پوتین هم‌زمان با افزایش فشارهای آمریکا بعد از دیدار خصوصی او با ترامپ در هلسینکی فنلاند، این دیدار را مثبت اعلام کرده و گفته هیچ‌کس انتظار ندارد همه مسائل و مشکلات قبلی بین دو کشور در طی یک دیدار دو ساعته حل و فصل شود؛ اما قانون‌گذاران آمریکا در کنگره نگران نرمی هر چه بیشتر ترامپ در مقابل روسیه پس از آن دیدار خصوصی هستند و به همین دلیل، فشارها بر روسیه را افزایش داده‌اند. مهم‌ترین دلایل افزایش فشارهای کنگره آمریکا به روسیه عبارت‌اند از:

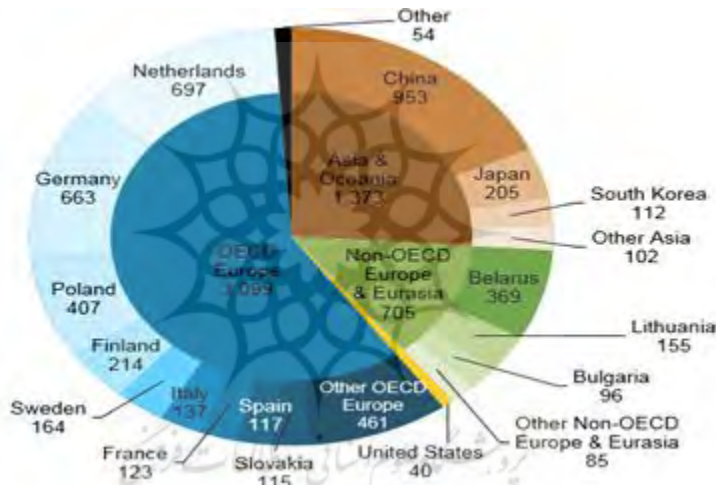
- اتهام روسیه به دخالت در انتخابات آمریکا، اما به نظر می‌رسد ترامپ مایل به سختگیری علیه این کشور نیست.
 - متهم شدن روسیه از سوی انگلستان به ترور بیولوژیکی یک جاسوس دوجانبه و دخترش در اوایل امسال در لندن.
- این فشارها که منجر به اعمال برخی از تحریم‌ها از سوی غرب به‌ویژه ایالات متحده آمریکا علیه روسیه شده، این کشور را به اتخاذ راهبردها و سیاست‌هایی برای کاهش فشارهای حاصل از تحریم بر اقتصاد خود کرده است.

۴-۲. سیاست روسیه برای صادرات نفت خام در شرایط تحریم

تأثیر تحریم‌های آمریکا علیه روسیه بر روی بخش انرژی و روابط خارجی روسیه با سایر کشورها است. این مهم به این صورت است که شرکت‌های غربی مشارکت خود را در زیرساخت‌هایی که روسیه در آن‌ها سهام قابل‌توجهی دارد و نیز صادرات انرژی روسیه و همچنین پروژه‌های انرژی این کشور در خارج از کشور محدود نمودند. در نقطه مقابل، کشورهای آسیایی بیشتر در مقابل تحریم‌ها مقاومت کرده‌اند و تنها ژاپن برخی از محدودیت بانکی را علیه روسیه اعمال کرده است. لذا جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی، راهبرد اصلی روسیه برای جبران کاهش روابط با کشورهای غربی بوده است. صادرات نفت خام و میعانات گازی روسیه در سال ۲۰۱۸ بیش از ۵ میلیون بشکه در روز بوده است. حدود ۷۰ درصد صادرات نفت خام روسیه به کشورهای اروپایی نظیر هلند، آلمان، لهستان و بلاروس است. حدود ۳۶ درصد از درآمد بودجه فدرال روسیه از فعالیت در حوزه

نفت و گاز بوده است. کشورهای اروپایی به عرضه نفت روسیه وابسته‌اند و کشورهای صنعتی اروپایی بیش از یک سوم واردات نفت خام خود را از روسیه تأمین می‌نمایند. این در صورتی است که آسیا و اقیانوسیه ۲۶ درصد از صادرات نفت خام روسیه را به خود اختصاص داده‌اند و سهم واردات نفت چین از روسیه رو به رشد است به گونه‌ای که روسیه تبدیل به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت خام چین شده است و این امر تا آنجا پیش رفته است که از عربستان سعودی در سال ۲۰۱۶ فراتر رفته است. در شکل ۱ صادرات نفت خام و میعانات نفتی روسیه به تفکیک کشور مشاهد می‌گردد.

شکل ۱. صادرات نفت خام و میعانات گازی روسیه در سال ۲۰۱۶ برحسب مقصد (واحد هزار بشکه در روز)



منبع: WWW. EIA.com

مقامات روسیه برای مقابله با تحریم‌های آمریکا در تلاش برای توسعه بیشتر روابط انرژی با هم‌تایان اصلی آسیایی خود از جمله چین، ژاپن و کره جنوبی می‌باشند. روسیه در دوره تحریم‌ها، بر موقعیت استراتژیک خود نگاه ویژه داشته و در زیرساخت‌های خود به‌عنوان یک تأمین‌کننده نسبتاً کم‌هزینه به‌منظور افزایش همکاری‌های بخش انرژی با شرکای آسیایی سرمایه‌گذاری کرده است. در این ارتباط امضای قراردادهای نفت و گاز، جذب سرمایه‌گذار در پروژه‌های اصلی بالادستی و تأمین امنیت مالی پروژه‌ها را در دستور کار قرار داده است. این

در حالی است که وقوع تنش‌های تجاری از یکسو و از سوی دیگر مذاکرات صلح با کره شمالی هم خطر و هم فرصت‌های جدیدی را برای این همکاری‌ها ایجاد نموده است. در سال‌های اخیر، افزایش قابل توجه تنش‌های تجاری میان چین و آمریکا از یکسو و از سوی دیگر بازگشت دوباره تحریم‌های آمریکا علیه ایران در ماه نوامبر و نیز احتمال اعمال تحریم‌های جدید علیه روسیه، تهدیدات جدی برای بخش انرژی در منطقه بوده است. کاهش سهم بازار ایران از فروش نفت می‌تواند فرصتی برای تولیدکنندگان روسیه باشد. با توجه به تحریم‌های آمریکا علیه ایران و بالا گرفتن جنگ تجاری بین آمریکا و چین، احتمال افزایش خرید نفت خام توسط دولت چین از روسیه زیاد است. تنش‌های تجاری بین آمریکا و چین خللی به روابط چین و روسیه وارد نخواهد کرد و می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای توسعه و محکم کردن روابط روسیه و چین باشد. (نشریه ماهانه بین‌المللی صنعت نفت پلاتس، سپتامبر، ۲۰۱۹)

۴-۳. سیاست روسیه برای صادرات گاز در شرایط تحریم

از آنجاکه قراردادهای گاز از طریق خط لوله امنیت فروش گاز روسیه را به مشتریان را تأمین می‌نماید، فلذا تمرکز روسیه در بخش صادرات گاز، به صادرات گاز از طریق خط لوله است. ۸۰ درصد صادرات گاز روسیه از طریق اوکراین و ۲۰ درصد دیگر آن نیز از طریق بلاروس صورت می‌گیرد. اختلافات میان شرکت انحصاری گاز پروم روسیه، کیف و مینسک تأثیری جدی بر طرف‌های ثالث در اروپای شرقی، مرکزی و غربی می‌گذارد. با توجه به وابستگی قیمت گاز طبیعی به بهای نفت، این‌گونه آثار خارجی هیچ تأثیری از لحاظ تغییر قیمت‌های گاز ندارند ولی بر عرضه فیزیکی آن تأثیر می‌گذارند (Stern et al, 2009). به‌این ترتیب، آثار خارجی در مورد گاز تفاوت قابل ملاحظه‌ای با آثار خارجی مربوط به نفت دارد.

در ژانویه ۲۰۰۹ در پی اختلافی که بر سر طرح‌های قیمت‌گذاری و پرداخت‌ها میان روسیه و اوکراین بروز کرد عرضه گاز طبیعی به مولداوی، بلغارستان، رومانی، صربستان و بوسنی هرزگوین به مدت دو هفته قطع شد. این امر سبب تعطیلی صنایع این کشورها و بسته شدن مدارس و سایر مؤسسات

عمومی شد و تأثیر عمیقی بر زندگی عمومی گذاشت. گذشته از حدود ۵/۱ میلیارد دلار درآمدی که از جیب گاز پروم رفت هزینه‌های اقتصادی قطع گاز به‌ویژه برای مردم جنوب شرقی اروپا چشمگیر قلمداد گردید. (Stern et al, 2009) اروپا به روسیه به عنوان منبع تأمین نفت و گاز طبیعی وابستگی دارد. بیش از یک سوم واردات نفت خام به کشورهای اروپایی در «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه»^۱ در سال ۲۰۱۶ از روسیه به دست آمد. بیش از ۷۰ درصد واردات گاز طبیعی به این کشورها نیز از سال ۲۰۱۶ در روسیه صورت گرفت. روسیه به اروپا به عنوان یک بازار برای نفت و گاز طبیعی وابسته است و درآمدهای صادراتی آن تولید می‌شود.

در سال ۲۰۱۶، تقریباً ۶۰ درصد صادرات نفت خام روسیه و بیش از ۷۵ درصد از صادرات گاز طبیعی روسیه به کشورهای صنعتی اروپا است. نتیجه مذاکره رؤسای جمهوری روسیه و فنلاند در مورد مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه خط لوله انتقال گاز این کشور بهترین منبع عرضه گاز به اروپا بوده است و روسیه آمادگی رقابت با هر کشوری در این زمینه را دارد. تحریم‌ها، شرکت‌هایی که در تأمین مالی و ساخت این خط لوله مشارکت کردند را در معرض تحریم قرار خواهد داد. در مقابل روسیه با تحت فشار قرار دادن مشتریان اروپایی، از ابزار کاهش تولید گاز در اروپا با توجه به افزایش مصرف این قاره استفاده نموده و از ظرفیت افزایش ۱۳ درصدی عرضه گاز توسط گاز پروم در سال به یک ابزار استراتژیک استفاده کرده است. گاز پروم انتظار دارد که عرضه گاز به اروپا و ترکیه در سال جاری با ۶ درصد افزایش نسبت به سال قبل، به ۲۰۵ میلیارد مترمکعب برسد که یک رکورد است. تحویل گاز در شش ماهه اول ۲۰۱۸ به یک رکورد رسیده بود. خط لوله نرد استریم دو با ظرفیت سالانه ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز روسیه را از طریق دریای بالتیک به آلمان می‌رساند و به این ترتیب، خط ترانزیت اوکراین را دور می‌زند. قرارداد دو شرکت گاز پروم روسیه و نفت و گاز اوکراین در پایان سال ۲۰۱۹ تمام می‌شود. (نشریه ماهانه بین‌المللی صنعت

نفت پلاتس، اوت، ۲۰۱۹)

گاز پروم ابراز تمایل کرده است که سالیانه ۱۰ تا ۱۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی از اوکراین منتقل کند، اما در نظر دارد با تکمیل خط لوله جدید ارسال مستقیم گاز به آلمان را به دو برابر افزایش دهد. این در صورتی است که تحریم‌های چندباره آمریکا علیه گاز روسیه، یک روش غیررقابتی برای افزایش سهم بازار «ال ان جی»^۱ آمریکا در بازار اروپا است؛ چراکه این گاز در مقایسه با گاز خط لوله گران‌تر تمام شود. تولید و صادرات ال ان جی روسیه نیز تاکنون تأثیر قابل توجهی از تحریم‌های آمریکا نپذیرفته است. درحالی‌که اولین تأسیسات ال ان جی روسیه در پروژه ساخالین ۲، از سال ۲۰۰۹ به بهره‌برداری رسیده و تولید آن تحت قراردادهای بلندمدت بازاریابی شده است، دومین پروژه ال ان جی این کشور (یامال) در اواخر سال ۲۰۱۷ عملیاتی گردیده است. اگرچه شرکت «نوا تک»^۲ که رهبری پروژه ال ان جی در یامال را به عهده دارد شاهد محدودیت‌های موجود برای جذب سرمایه بوده است؛ با این حال توانست این مشکل را برطرف کرده و با دعوت از شرکای چینی به مشارکت در پروژه، آن‌ها را به شریک اولیه خود یعنی توتال اضافه نماید.

۴-۴. سیاست روسیه در مورد سهام شرکت‌های نفتی در شرایط تحریم

شرکت‌های روسی مانند «لوک‌ویل»^۳ یا «رز‌نفت»^۴ به صورت رسمی مستقل هستند ولی سیاست نفتی آن‌ها به‌طور مستقیم از کرملین اداره می‌شود. این شرکت‌ها به‌ویژه در پهنه‌های جغرافیایی دشواری مانند ساخالین سرمایه‌گذاری‌های مشترک جالب توجهی با شرکت‌های بین‌المللی نفت مانند شل و اگزان موبیل کرده‌اند. در سال ۲۰۰۸ شرکت نفت انگلیس و شرکت دولتی روسی شرکت سهامی مشترک را پایه‌گذاری کردند. این شرکت سهامی مشغول خرید برخی از دارایی‌های شرکت

1. LNG

2. Novatek

3. Lukoil

4. Rosneft

نفت انگلیس در سراسر جهان مانند دارایی‌های این شرکت در ونزوئلاست. در این مرحله تردیدی نیست که دیگر شرکت نفت انگلیس کنترل امور را در دست ندارد و مالکان روسی، این سرمایه‌گذاری مشترک را کنترل می‌کنند. (لونی، ۲۰۱۳)

روسیه بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان است و شرکت‌های ملی نفت آن بسیار بزرگ است. از همین‌رو، انگیزه آن‌ها برای تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نفت یا به دست آوردن فناوری است تا بعد به‌طور مستقل از آن استفاده کنند یا دسترسی یافتن به شبکه صادرات گاز و نفت آن‌ها و در این دو زمینه، معمولاً سیاست دست بالا را دارد. از همین‌رو، استقلال شرکت‌های ملی نفت قطع نظر از ساختار سهام آن‌ها مغلوب منافع ملی می‌شود.

دولت روسیه از ژانویه ۲۰۱۶ برنامه‌ریزی نمود تا از طریق واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های دولتی خود به شرکت‌های بین‌المللی وابستگی به نفت و گاز این کشور را افزایش دهد و بر همین اساس فروش برخی از سهام شرکت‌های نفتی و گازی دولتی از جمله شرکت‌های «باش نفت»^۱ و «رزنت»^۲ را در اولویت قرارداد. در اکتبر سال ۲۰۱۶، دولت فدرال سهام ۵۰,۰۸٪ سهام خود در باش نفت را به میزان ۳,۵ میلیارد دلار فروخت. سپس در ماه دسامبر ۲۰۱۶، دولت روسیه اعلام کرد که ۵,۱۹ درصد سهام رزنت را برای ۱۱ میلیارد دلار فروخته است. این سهام به‌طور مساوی بین «شرکت گلنکور»^۳ و اداره سرمایه‌گذاری قطر (صندوق مستقل ثروت «کیو ای آی»^۴ متعلق به قطر) تقسیم شد. در سپتامبر ۲۰۱۷، گلنکور و کیو ای آی سهام ۱۴,۱۶٪ از رزنت به شرکت انرژی «سی ای اف سی»^۵ چین به ارزش ۱,۹ میلیارد دلار فروختند و سهام رزنت را ۵.۰٪ و ۷.۴٪ حفظ کردند. (نشریه ماهانه بین‌المللی صنعت نفت موسسه پلاتس، مارس، ۲۰۱۹)

-
1. Bashneft
 2. Rosneft
 3. Glencore
 4. QIA
 5. CEFC

۴-۵. سیاست روسیه در بازارهای نفت و گاز در شرایط تحریم

روسیه بعد از تحریم‌های آمریکا متوجه شد که ورود به بازارهای محلی انرژی نظیر بازار کردستان، کره و ... می‌تواند محلی برای وابسته‌سازی اقتصاد کشورها به خودش و کاهش کارایی اثر تحریم‌های نفتی آمریکا باشد. در ذیل به سیاست وابسته‌سازی اقتصاد برخی از کشورها به نفت و گاز روسیه پرداخته می‌شود.

الف- کردستان عراق

با حل شدن مناقشات با دولت کردستان در مورد حق توسعه میدان گازی خورمور و چمچمال، کنسرسیوم نفتی «پیرل»^۱ متشکل از دو شرکت اماراتی داناکاز و کرسنت پترولیوم، قراردادی ۲۰ ساله برای فروش گاز با دولت خودمختار کردستان عراق امضا کرده است. دولت کردستان در نظر دارد تولید گاز از میدان خورمور را تا سال ۲۰۲۲ به ۹۰۰ میلیون فوت مکعب در روز برساند. کردستان عراق که به گاز برای افزایش تولید برق نیاز شدیدی دارد با قراردادی دیگر با روس نفت روسیه صاحب خط لوله صادراتی گاز به ترکیه هم خواهد شد. گاز این خط لوله از محل همین قرارداد و برنامه‌های «جنرال انرژی»^۲ ترکیه برای توسعه بلوک‌های گازی منطقه تأمین می‌شود. کنسرسیوم نفتی پیرل برای افزایش تولید روزانه میدان خورمور از ۴۰۰ میلیون فوت مکعب فعلی به ۶۵۰ میلیون فوت مکعب در روز در سال ۲۰۲۱ و روزانه ۹۰۰ میلیون فوت مکعب در سال ۲۰۲۲ در حدود ۷۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خواهد کرد. ساخت دو کارخانه و حفر چاه‌های تولید و فروش گاز حاصله به سه کارخانه برق محلی و فروش مایعات حاصله در بازار داخلی از جمله مواد این قرارداد است. عراق یکی از بازارهای صادراتی گاز ایران است. (نشریه ماهانه بین‌المللی صنعت نفت موسسه پلاتس، مارس، ۲۰۱۹)

ب- شبه‌جزیره کره

مذاکرات کره شمالی، کره جنوبی و دولت آمریکا می‌تواند همکاری انرژی

1. Pearl

2. Genel Energy

چندجانبه جدیدی را در آسیای میانه ایجاد کند، از جمله این همکاری‌ها می‌توان به تقویت از سرگیری طرح توسعه خط لوله گاز از طریق شبه‌جزیره کره اشاره کرد. شرکت گاز پروم روسیه و شرکت دولتی گاز کره جنوبی در سال ۲۰۰۸ توافق نامه ۳۰ ساله عرضه حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال از گاز روسیه را از طریق کره شمالی به جنوب شبه‌جزیره کره امضا کردند اما این پروژه به دلیل ریسک‌های سیاسی از سال ۲۰۱۲ به حالت تعلیق درآمده بود. از دیگر پروژه‌هایی که می‌تواند در اثر معاهده صلح کره شمالی رشد چشمگیری داشته باشد، اتصال ژاپن و چین از طریق خط و همچنین یک شبکه برق و دیگر پروژه‌های زیربنایی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای است. به گفته تحلیل‌گران، شرکا همچنین می‌توانند به عرضه نفت از طریق کره شمالی به مناطق دیگر هم نگاهی داشته باشند. (سایت خبری رویترز، ۲۶ فوریه، ۲۰۱۹).

ج- آذربایجان

پالایشگاه جدید ۲۰۰ هزار بشکه‌ای شرکت نفت دولتی آذربایجان در «علی آجا»، در غرب ترکیه، اولین محموله فرآورده‌های نفتی خود را بازرگانی کرده است اما فروش تجاری کامل آن تا قبل از ماه آوریل آغاز نخواهد شد. پس از راه‌اندازی کامل این پالایشگاه، ترکیه نیاز به واردات فرآورده‌های نفتی این پالایشگاه خواهد داشت این پالایشگاه در سپتامبر سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شد و در ماه ژانویه سال ۲۰۱۹ به ظرفیت کامل رسید. خوراک این پالایشگاه نفت خام ترش است که بیشتر از نفت خام کرکوک، نفت خام متوسط ترش اورال روسیه و نفت خام سبک آذربایجان خواهد بود. (نشریه روزانه صنعت نفت مؤسسه بین‌المللی آرگوس، ۶ مارس، ۲۰۱۹)

د- عربستان

روسیه در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری عربستان در پروژه ال ان جی این کشور است. در این راستا، رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین و پادشاه عربستان

ضمن همکاری‌های مشترک و تبادل نظر در مورد شرایط جهانی بازارهای هیدروکربنی به ادامه همکاری‌های خود بر سر این منابع تأکید کردند. در سال‌های اخیر این دو کشور همکاری خود را در زمینه انرژی افزایش داده‌اند؛ به‌عنوان مثال می‌توان به همکاری این دو کشور در جهت توافق کاهش تولید اوپک و متحدانش و همچنین همکاری‌های دوجانبه برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه انرژی اشاره کرد. پیش‌ازین نیز دو کشور در حال گفتگو جهت همکاری بر سر پروژه‌های نفت و پتروشیمی و ال ان جی بودند.

و- ونزوئلا

روسیه با توجه به منافع راهبردی خود با تمام توان از سرمایه‌گذاری شرکت‌های این کشور در ونزوئلا دفاع خواهد نمود. در واقع رزنفت که شرکت نفت دولتی روسیه است یکی از شرکای اصلی خارجی «شرکت دولتی ونزوئلا»^۱ است. به دنبال وام‌های اخذشده توسط ونزوئلا در سه‌ماهه چهارم سال ۲۰۱۶، شرکت مذکور حدود سه میلیارد دلار به رزنفت روسیه بدهکار است که اقساط آن از طریق صادرات نفت خام ونزوئلا به پالایشگاه «نایارا»^۲ در هند که متعلق به رزنفت است، پرداخت می‌گردد. به دنبال بحران ایجادشده در ونزوئلا و پشتیبانی آمریکا، کانادا، کشورهای آمریکای لاتین و اروپا از رهبر مخالفان، گوآیدو، مشکلات متعددی ایجاد گردیده است. البته روسیه، چین، ترکیه و کوبا همچنان مادورو را به‌عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا می‌شناسند. در ضمن شرکت رزنفت در میدان‌های گاز طبیعی ونزوئلا که در آب‌های کم‌عمق این کشور قرار دارد، سهامدار است (نشریه روزانه صنعت نفت مؤسسه بین‌المللی آرگوس، ۶ مارس ۲۰۱۹).

۴-۶. سیاست روسیه در حوزه قیمت نفت و گاز

وابستگی اقتصاد روسیه به درآمدهای نفتی موجب گردید تا در سال‌های گذشته که بازار نفت شاهد افت قیمت بود، راهبرد توافق با اعضای اوپک برای تنظیم قیمت

1. PDVSA

2. Nayara

نفت را اتخاذ نماید. در این ارتباط قیمت نفت خام از سال ۲۰۱۴ تا ماه مه ۲۰۱۶ روند نزولی داشت و این مهم به دلیل توسعه نفت شیل امریکا و فراوانی عرضه نفت در بازار بود. با کاهش قیمت نفت بعضی کشورهای تولیدکننده نفت نظیر روسیه با توجه به وابستگی بودجه آن‌ها به درآمدهای نفتی، درصدد تعدیل عرضه بازار و ایجاد تعادل در بازار بودند. (نشریه ماهانه صنعت نفت موسسه بین‌المللی آرگوس، مه، ۲۰۱۶) از طرفی بعضی کشورهای اوپک که بودجه آن‌ها وابسته به نفت بود مثل عربستان و ایران که از قیمت‌های پایین نفت رنج برده و ذخایر ارزششان پایین آمده بود و از طرفی سیاست‌هایشان در تقابل و تضاد باهم قرار داشت و نمی‌توانستند باهم اجماع بکنند. چندین جلسه در اوپک باهم گذاشتند نظیر جلسه در الجزایر ولی نتیجه‌بخش نبود. در این حین روسیه توانست نقش کلیدی میان اعضای اوپک نظیر ایران و عربستان را ایفا نماید. در سال نوامبر ۲۰۱۶ به توافق رسیدن که ۱,۸ میلیون بشکه در روز اعضا اوپک و برخی از کشورهای غیرعضو اوپک به رهبری روسیه از تولیدشان بکاهند که از این مقدار ۱,۲ میلیون بشکه در روز متعلق به اعضای اوپک و حدود ۶۰۰ هزار بشکه در روز به کشورهای غیرعضو اوپک و رهبری روسیه اختصاص داشت.

توافق اعضای اوپک با غیرعضو این سازمان با نقش محوری روسیه موجب شد تا قیمت نفت دوباره در سال ۲۰۱۷ به مسیر صعود برگردد و این روند تا زمانی ادامه پیدا کرد که برخی اعضا از توافق خارج شدند. در سال ۲۰۱۸ که قیمت نفت در کانال ۷۰ تا ۸۰ دلار در حال نوسان بود. در این حین برخی از اعضای از توافق خارج شدند و عرضه نفت را به منظور سود بیشتر افزایش دادند و دوباره قیمت‌ها در کانال نزول قرار گرفت و دوباره کشورهای عضو اوپک با تولیدکنندگان غیرعضو در نوامبر ۲۰۱۸ با یکدیگر توافق کردند که در مجموع ۱,۲ میلیون بشکه در روز کاهش دهند که ۹۰۰ هزار بشکه آن را اعضا اوپک و مابقی آن به کشورهای غیرعضو اوپک به رهبری روسیه واگذار شد. (نشریه روزانه صنعت نفت موسسه بین‌المللی پلاتس، ۱ مارس، ۲۰۱۹)

۴-۷. سیاست روسیه در حوزه حمل‌ونقل

یکی از راه‌های صادرات نفت و گاز علاوه بر حمل‌ونقل دریایی خطوط لوله است. خطوط لوله انتقال نفت از طریق قراردادهای بلندمدت است و در این نوع قراردادها، منافع بلندمدت لحاظ می‌شود و به خاطر همین تحریم‌هایی که معمولاً بسته می‌شود تأثیری روی قراردادهای انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله ندارد. تأثیر تحریم‌ها روی این قراردادها کمتر هست و معمولاً این قراردادها از سازمان تحریم‌ها معافیت گرفته و شامل حال تحریم نمی‌شوند. روسیه یکی از سیاست‌های راهبردی خود را در حیطة حمل‌ونقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله بود.

یکی از خطوط لوله نفت‌های خام اصلی کشور روسیه خط لوله نفت خام «سیبری شرقی»^۱ است. خط لوله نفت خام سیبری شرقی با صرف حدود ۲۵ میلیارد دلار و به طول ۴۸۰۳ کیلومتر تکمیل و در تاریخ ۵ دسامبر ۲۰۱۲ توسط ولادیمیر پوتین افتتاح شد. نفت خام سیبری شرقی از ۱۳ حوزه نفتی در شرق سیبری تولید شده و توسط شرکت‌های رزنفت، بی‌پی - تی‌ان‌کا و گاز پروم اداره می‌گردد. قبل از افتتاح این خط لوله، روسیه حداکثر ۳۰۰ هزار بشکه در روز قادر بود نفت خام ESPO را صادر کند ولی با افتتاح این خط لوله ظرفیت صادرات ESPO به ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت. (جی بی سی، ۲۰۱۳).

از کل صادرات روسیه در حدود ۳ میلیون و ۷۲۰ هزار بشکه در روز آن در نواحی سیبری غربی و ولگا تولید و از طریق خط لوله معروف دژبا و دریای بالتیک و دریای سیاه به اروپا صادر می‌گردد. در شکل ۲ مسیرهای اصلی خطوط لوله انتقال نفت خام و گاز کشور روسیه بررسی شده است.

شکل ۲. پروژه‌های انتقال نفت و گاز در روسیه



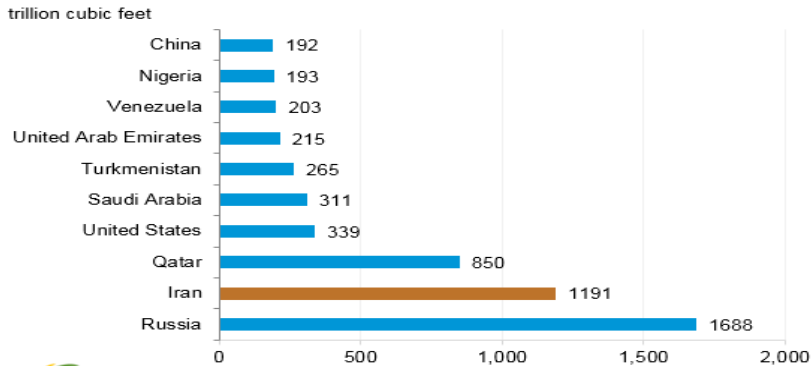
منبع: JBC energy.com

دیگر خط لوله روسیه جهت انتقال پایدار نفت، خط لوله انتقال نفت خام اورال به اروپا بانام دژپا است. مالکیت این خط لوله ۸۹۰۰ کیلومتری در اختیار شرکت «ترنس نفت»^۱ بوده و می‌تواند تا دو میلیون بشکه در روز نفت خام اورال را به بازارهای اروپا منتقل نماید.

۵. بررسی اجمالی وضعیت کشور ایران در حوزه نفت و گاز

ایران برخی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز طبیعی اثبات شده جهان را دارا است. ایران به‌عنوان چهارمین دارنده ذخیره نفت و گاز طبیعی در جهان شناخته می‌شود. ایران همچنین در بین ۱۰ تولیدکننده برتر نفت در جهان و نیز ۵ تولیدکننده برتر گاز طبیعی قرار دارد که این امر در نمودار ۱ قابل مشاهده هست.

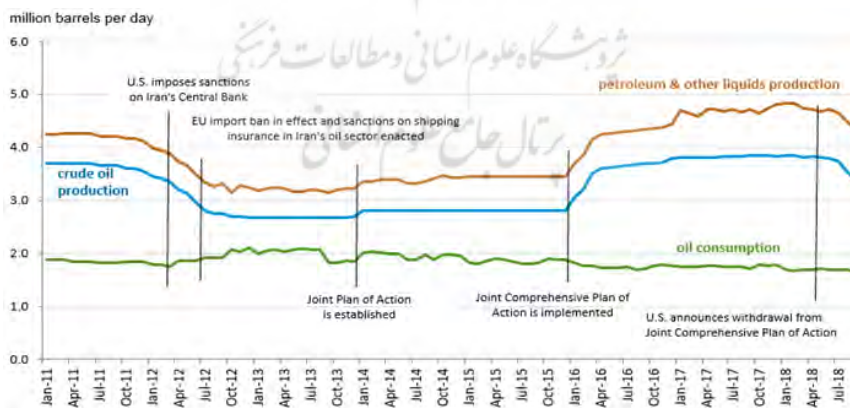
نمودار ۱. بزرگ‌ترین دارندگان ذخیره‌شده ثابت‌شده گاز طبیعی ۲۰۱۷



منبع: WWW. EIA.com.

ایران در سال ۲۰۱۷ در حدود ۴,۷ میلیون بشکه در روز نفت و سایر مایعات و ۷,۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی خشک تولید کرده است. بر اساس تخمین‌های اولیه در ژانویه ۲۰۱۸، کشور ایران دارای حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام اثبات‌شده هست که در حدود ۱۰٪ از ذخایر نفت خام جهان و حدود ۱۳٪ از ذخایر ذخیره‌شده توسط سازمان نفت را به خود اختصاص می‌دهد. تولید و مصرف نفت خام ایران در نمودار ۲ بررسی شده است. (گزارش سالانه اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۱۸)

نمودار ۲. تولید و مصرف نفت ایران



منبع: WWW. EIA.com.

ایران گاز طبیعی را از طریق خط لوله به ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و عراق صادر

می‌کند و واردات گاز خود را از ترکمنستان دریافت می‌کند. در سال ۲۰۱۷، ایران حدود ۴۵۰ میلیارد فوت مکعب گاز صادر کرده است. در سال ۲۰۱۷، حدود ۷۳٪ از کل صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه بوده است. صادرات گاز طبیعی به ارمنستان در سال ۲۰۱۷ به طور متوسط روزانه ۳۶ میلیون فوت مکعب بوده است و درازای آن برق دریافت کرده است. ایران و ارمنستان تجارت گاز طبیعی و برق را از طریق قرارداد ۲۰ ساله فی مابین، تعویض و مبادله می‌کنند. نمودار ۳ روند واردات و صادرات گاز طبیعی ایران را از طریق خطوط لوله نشان می‌دهد.

نمودار ۳. واردات و صادرات خط لوله گاز طبیعی ایران



منبع: WWW. EIA.com.

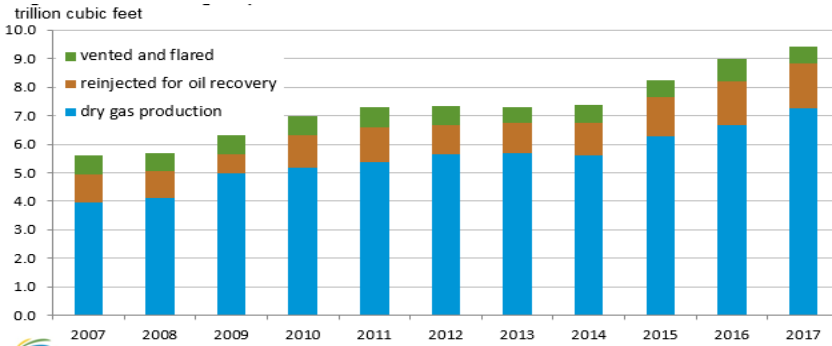
گاز طبیعی

ذخایر گاز طبیعی ثابت شده ایران از دسامبر سال ۲۰۱۷ حدود ۳۳,۹ تریلیون فوت مکعب بوده و صاحب جایگاه دوم بعد از روسیه است. ایران ۱۷٪ از ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان و بیش از یک سوم ذخایر اوپک را در اختیار دارد. ایران پس از ایالات متحده و روسیه سومین تولیدکننده گاز طبیعی خشک در جهان است. تولید گاز طبیعی ناخالص ایران در سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۹,۵ تن از کل در سال ۲۰۱۷ که از این مقدار ۷,۳ تن وزن گاز طبیعی خشک بوده و تولید آن در مقایسه با سال ۲۰۱۶ در حدود ۹٪ افزایش داشته است (نشریه Oil&Gas ۲۰۱۸).

بیشتر گاز طبیعی تولید شده ایران در داخل کشور مصرف می‌شود به طوری که مصرف داخلی ایران در سال ۲۰۱۷ به طور تقریبی ۶,۹ تن برآورد شده است. در نمودار ۴ روند تولید گاز طبیعی ایران به همراه میزان گازهای سوزانده شده و

گازهای باز تزریق شده به میدان‌ها نفتی بررسی گردیده است.

نمودار ۴. تولید گاز طبیعی در ایران در سال‌های مختلف

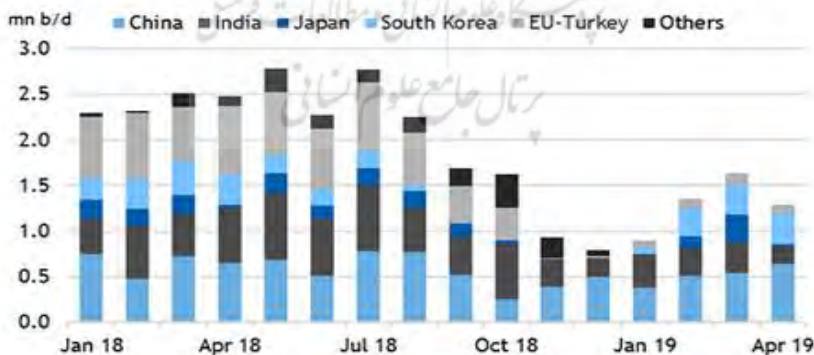


منبع: WWW. EIA.com.

۶. موانع تجاری جمهوری اسلامی ایران با روسیه در حوزه نفت و گاز

با توجه به نقش کشورهای ایران و روسیه در تولید نفت و گاز در جهان همکاری‌های مشترک در حوزه انرژی میان آن دو می‌تواند تأثیرگذارترین عامل در ثبات روابط روسیه و جمهوری اسلامی ایران باشد. به‌خصوص در شرایط فعلی کشور، روسیه می‌تواند نقش مهمی در مقابله با تحریم‌های ایران داشته باشد. در نمودار ۵ روند نزولی صادرات نفت کشور در دوره‌های مختلف مشاهده می‌شود.

نمودار ۵. تأثیر تحریم‌های آمریکا بر صادرات نفت ایران به بازارهای مختلف



منبع: Argus.com

به نظر می‌رسد چند عامل نقش تأثیرگذاری در روابط دو کشور دارند. در این میان

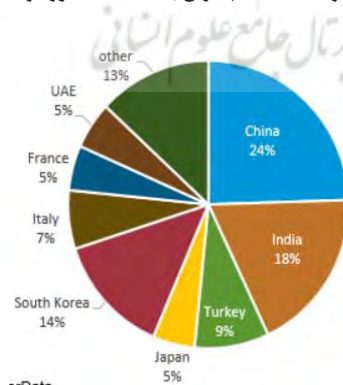
در سال‌های گذشته، معادله‌های مربوط به انرژی، نقش مثبتی در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی روسیه و ایران داشته است. روسیه و ایران از جهت داشتن ذخایر قابل توجه سوخت و انرژی، راهروی حمل و نقل و انتقال دریایی و زمینی سوخت اشتراک منافع دارند و از تأمین کنندگان منابع انرژی مناطق دریای خزر، آسیای مرکزی و خاور نزدیک به مصرف کنندگان مهم جهان، به شمار می‌روند. همکاری‌های تجاری چندجانبه در حوزه انرژی، نقش مهمی در روابط روسیه و ایران دارد. شاید اولین مانع را می‌توان رویکرد رقابتی جمهوری اسلامی ایران با روسیه در کسب سهم بازار نفت دانست. استراتژی همکاری به جای رقابت با روسیه می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای کشور در دوره تحریم‌ها ایجاد نماید. نفت خام شاخص روسیه اورال مشابه نفت خام‌های خاورمیانه به‌ویژه نفت خام عمان، دبی، سبک ایران و سبک بصره بوده و از نظر سولفور شیرین‌تر از آن‌ها است. «ای پی ای»^۱ برابر ۳۱/۵۵ و سولفور آن ۱،۳۰٪ است. لذا بر این اساس همواره با توجه به نزدیکی مشخصات فنی نفت روسیه به نفت ایران همواره رویکرد دو کشور رقابت در کسب سهم بازار به جای همکاری مشترک بوده است. بنابر گزارش اداره اطلاعات انرژی واردکنندگان اصلی نفت خام اورال در اروپا در سال ۲۰۱۸ کشورهای آلمان و هلند و لهستان بوده‌اند. نکته قابل توجه این است که روسیه مقداری از نفت خام‌های آذربایجان و قزاقستان را وارد نموده و پس از مخلوط کردن با نفت خام‌های خود آن‌ها را به نام نفت خام اورال دوباره صادر می‌کند. تحریم نفتی ایران از سوی آمریکا نیز باعث شده است که روسیه علاقه خود به واردات نفت از ایران را نیز ابراز نماید. همچنین دومین مانع این مهم نیز می‌توان به رویکرد عدم جدیت در مدیریت حاکم در وزارت نفت برای اعطای پروژه‌های نفت و گاز به طرف روسی دانست. روس‌ها علاقه‌مندی خود را در سرمایه‌گذاری در حوزه میدان‌ها گازی کشور در دوره‌های مختلف نشان داده‌اند به‌ویژه با توجه به موقعیت مناسب ایران برای ورود به بازارهای بزرگ نفت و گاز نظیر هند مذاکرات مختلفی را داشته است. این در حالی است که رویکرد مدیران

صنعت نفت ایران، توجه به کشورهای اروپایی نظیر توتال و اولویت دادن به آن‌ها با در نظر گرفتن پیش‌فرض همکاری با شرکت دارای تکنولوژی پیشرفته است. برای نمونه می‌توان قرارداد فاز یازده پارس جنوبی با شرکت توتال اشاره نمود. لذا رویکرد مذکور باعث شده است روسیه، کشور ایران را با توجه به سابقه مشترک در سرمایه‌گذاری و معاملات تجاری گذشته در حوزه نفت و گاز به‌عنوان همکار جدی تلقی ننماید.

تحریم‌های بازارهای نفت خام ایران

بازارهای نفت خام ایران را به سه گروه اصلی تقسیم می‌گردد: بازار آسیا، مدیترانه و شمال غرب اروپا. مهم‌ترین بازار مشتریان آسیایی ایران عبارت‌اند از چین، هند و کره جنوبی. کشورهای یونان، اسپانیا، ترکیه و ایتالیا از مشتریان بازار مدیترانه کشور می‌باشند. بازار شمال غرب اروپا نیز شامل هلند و فرانسه است. میزان صادرات نفت و میعانات نفتی ایران در سال ۲۰۱۷ (قبل از وضع مجدد تحریم‌های نفتی توسط ترامپ) به‌طور متوسط ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود که این حدود ۲۰۰ هزار بشکه بیشتر از میانگین سال ۲۰۱۶ است. در سال ۲۰۱۷ چین و هند حدود ۴۳ درصد از کل صادرات ایران را به خود اختصاص داده‌اند و ترکیه و کره جنوبی در طول این سال حجم قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. در شکل ۴ سهم بازارهای نفت ایران را به تفکیک کشورها نشان می‌دهد.

شکل ۴. بازارهای صادرات نفت خام ایران به تفکیک کشور در سال ۲۰۱۷



منبع: اداره اطلاعات انرژی آمریکا

صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران در سال ۲۰۱۸ ژوئن به حدود ۲/۷ میلیون بشکه در روز رسید که این میزان حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز بیشتر از میانگین در چهار ماه اول این سال (قبل از اعلام تحریم‌های ماه مه) است. این در صورتی است که در ماه سپتامبر، صادرات نفت خام و میعانات گازی ایران به ۱/۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. این روند نزولی صادرات نفت در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ادامه یافت به طوری که رقم آن به پایین‌ترین سطح خود رسیده است. (نشریه ماهانه بین‌المللی صنعت نفت آرگوس، ۲۰۱۹)

مهم‌ترین تحریم‌های حوزه نفت توسط آمریکا عبارت‌اند از: ممنوعیت واردات از ایران (به اروپا)، ممنوعیت خرید از ایران (توسط شرکت‌های اروپایی)، ممنوعیت حمل و نقل (توسط شرکت‌های اروپایی)، ممنوعیت تأمین مالی (توسط شرکت‌های اروپایی) و ممنوعیت بیمه (توسط شرکت‌های اروپایی).

۷. درس آموخته‌های ایران از روسیه در حوزه نفت و گاز

الف- بازار گاز

روسیه مانند بقیه شرکت‌های بزرگ حوزه انرژی، با تغییر استراتژی سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نظیر رویال داچ شل، انی و ... از نفت به گاز نیز راهبرد خود را تغییر داده است و در این راستا بر اساس آنچه در بخش سیاست‌های گازی روسیه گفته شد، برای ایفای نقش در بازارهای آتی انرژی بهره‌برداری تولید گاز را در میدان یامل این کشور را از مدتی پیش آغاز نموده است. اولین راهبرد روسیه با توجه به قابلیت توسعه و تنوع بازار بر اساس قابلیت حمل و نقل ال‌ان‌جی در بازار آتی جهانی بوده است. روسیه سرمایه‌گذاری زیادی در زمینه تولید این محصول انجام داده و در حال حاضر با گسترش بازارها و صادرات گاز در صدد توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای مطلوب موردنظر است. بر اساس همین سیاست روسیه در حوزه گاز، قدرت چانه‌زنی‌های روسیه در معاملات بین‌المللی را گسترش یافته و روسیه توانسته تحریم‌های غرب در حوزه نفت و گاز را بی‌اثر کند. از آنجایی که ایران نیز از نظر منابع گاز دارای ذخایر غنی گازی است می‌تواند

با ایجاد کانال‌های مختلف صادرات گاز نظیر خط لوله و یا تولید ال ان جی، بازارهای خود را گسترش داده و از این طریق روابط سیاسی و اقتصادی خود با جهان را گسترش داده و امنیت کشور افزایش یابد.

ب- حوزه روابط اقتصادی

یکی از راهبردهای روسیه استراتژی وابسته‌سازی اقتصاد کشورهای غربی به منابع نفت و گاز از طریق خطوط لوله است. روسیه با صادرات از طریق خط لوله صادراتی نفت و گاز به اروپا، صنایع اروپایی را به خود وابسته کرده و چون خط لوله با سرمایه‌گذاری مشترک بین روسیه و اتحادیه اروپا صورت گرفته، امکان به هم زدن قراردادها و اختلال در صادرات نفت و گاز روسیه ممکن نیست. این الگو برای ایران نیز از طریق سرمایه‌گذاری مشترک در خطوط لوله ایران پاکستان و هند و تقویت صادرات گاز از طریق خط لوله گاز به ترکیه و از آنجا به بازار اروپا و همچنین وابستگی صنایع ترکیه و اروپا عملی است و می‌تواند امنیت صادرات گاز کشور را حفظ کرده و سهم بازار ایران را نیز گسترش دهد.

ج- گسترش روابط با نهادهای بین‌المللی انرژی عاملی برای افزایش درآمدهای

نفتی

سطح پایین قیمت نفت طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ درآمدهای نفتی کشورهای تولیدکننده نفت اوپک را کاهش داده و این کشورها را با کسری بودجه مواجه نموده است. از طرفی اختلاف میان برخی از اعضای اوپک مانع از توافق اعضا این سازمان برای کاهش حجم تولید گردیده بود. در این میان روسیه نیز با کسری بودجه شدیدی مواجه بود و به‌تنهایی هم امکان تعدیل قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی را نداشت. با توجه به منافع روسیه و وابستگی درآمد ملی آن به نفت، این کشور باهدف اجماع‌سازی میان تولیدکنندگان اوپک، از رایزنی‌های سیاسی به‌عنوان ابزاری برای کنترل قیمت نفت و تعدیل کسری بودجه ناشی از افت قیمت نفت استفاده نمود. لذا می‌توان در محاسبات خود، می‌توان اوپک را به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای تعدیل سیاست‌های نامطلوب بازیگران بازار در نظر گرفت. ایران نیز

می‌تواند با استفاده از سازمان‌هایی نظیر اوپک و مجمع صادرکنندگان گاز و با ایجاد منافع مشترک پایدار با کشورهای عضو اوپک و اوپک پلاس از طریق سیاست‌گذاری مشترک برای تعدیل قیمت در بازار نفت، نقش مهمی را در کنترل قیمت نفت که از اهمیت ویژه‌ای برای مصرف‌کنندگان برخوردار است، ایفا کند.

د- حوزه سرمایه‌گذاری مشترک

روسیه با سیاست شراکت با شرکت‌های بین‌المللی در حوزه شرکت‌های داخلی خود، منافع شرکت‌های بین‌المللی را به منابع انرژی خود وابسته ساخته تا از این طریق قدرت روسیه را در مقابل کشورهای غربی تعدیل نماید. روسیه برای تقویت ارتباط با شرکت‌های بین‌المللی از طریق واگذاری بخشی از سهام شرکت‌های دولتی خود به شرکت‌های بین‌المللی وابستگی آن‌ها را به نفت و گاز این کشور را افزایش داد و بر همین اساس مراحل تولید و فروش نفت و فرآورده‌های آن با موانع کمتری مواجه گردیده است و از این طریق تأثیر تحریم‌های حوزه نفت و گاز را کمتر کرده است. انگیزه روسیه برای تعامل با شرکت‌های بین‌المللی نفت یا به دست آوردن فناوری است تا بعد به‌طور مستقل از آن استفاده کنند یا دسترسی یافتن به شبکه صادرات گاز و نفت آن‌ها و در این دو زمینه، معمولاً سیاست دست بالا را دارد.

ایران نیز می‌تواند با واگذاری درصدی از سهام شرکت‌های نفتی و پتروشیمیایی به شرکت‌های بین‌المللی و نیز خرید سهام شرکت‌های نفتی نظیر پالایشگاه و پتروشیمی در کشورهای دیگر، شراکت‌های اقتصادی متقابل و منافع مشترک ایجاد کند و با این کار بخشی از حجم صادرات نفتی خودش را تثبیت و امنیت درآمد پایدار ایجاد کند. در این راهبرد سرمایه‌گذاری، روسیه در بعضی از کشورهای دارای مصرف زیاد انرژی اقدام به خرید پالایشگاه نظیر پالایشگاه اسار هند کرده است.

و- استفاده از ظرفیت کشورهای تحریم شده

روسیه با توجه به تحریم‌های نفتی غرب علیه این کشور همکاری‌های دوجانبه با

کشورهایی که مورد تحریم آمریکا بوده‌اند نظیر ونزوئلا و کره شمالی را در برنامه کاری خود قرار داده است. در این ارتباط روسیه با توجه به منافع راهبردی خود با تمام توان از سرمایه‌گذاری شرکت‌های این کشور در ونزوئلا دفاع نموده است. به نظر می‌رسد ایجاد گروهی متشکل از کشورهای تحریمی و ادامه مبادلات با آن‌ها، علی‌رغم تحریم‌های آمریکا، با نقش محوری روسیه از جهت دور زدن تحریم‌های سیستم‌های مالی بسیار حائز اهمیت است.

ه- گسترش خط لوله عامل تأمین امنیت تقاضای بلندمدت نفت و گاز

از آنجایی که خطوط لوله انتقال نفت از طریق قراردادهای بلندمدت است و منافع بلندمدت ایجاد می‌کند، به همین دلیل تحریم‌هایی که معمولاً بسته می‌شود تأثیری روی قراردادهای انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله ندارد. معمولاً این قراردادها از سازمان تحریم‌ها معافیت گرفته و شامل حال تحریم نمی‌شوند. روسیه یکی از سیاست‌های راهبردی خود را در حیطه حمل‌ونقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله قرارداد. در این ارتباط از کل صادرات نفت روسیه، در حدود ۳ میلیون و ۷۲۰ هزار بشکه در روز آن‌که در نواحی سیبری غربی و ولگا بوده است را از طریق خط لوله معروف دژبا و دریای بالتیک و دریای سیاه به اروپا توسط خطوط لوله صادر می‌گردد. همچنین سیاست روسیه در مورد کشورهای بزرگ آسیای شرقی نظیر چین نیز همین بوده است که با صادرات نفت از طریق خط لوله، امنیت پایدار تقاضای نفت خود را فراهم می‌نماید. ایران نیز می‌تواند با ایجاد تفاهم‌نامه‌های مشترک و اتصال به این خطوط، به صادرات نفت خام خود، کمک نماید.

ی- دیپلماسی فعال انرژی روسیه در قبال کشورهای نزدیک و همسایه

روسیه با توجه به نزدیکی برخی از کشورها و حتی اهمیت آن‌ها در صحنه بین‌المللی در تلاش برای ایجاد ارتباط از طریق فعالیت در حوزه انرژی است. در برخی موارد استفاده از خط لوله صادراتی روسیه برای کشورهای نظیر ترکمنستان یک فرصت تلقی می‌گردد. دیپلماسی فعال در خصوص همکاری انرژی با

کشورهای همسایه مانند آذربایجان، ترکمنستان و ... حضور روسیه را در بازارهای بین‌المللی گسترش داده که این امر قدرت منطقه‌ای آن را افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی

تحریم‌های آمریکا علیه روسیه، بخش انرژی و روابط خارجی آن را با سایر کشورها متأثر نموده است. به این صورت که شرکت‌های غربی مشارکت خود را در زیرساخت‌های که روسیه در آن‌ها سهام قابل‌توجهی دارد و صادرات نفت و گاز روسیه و همچنین پروژه‌های انرژی آن در خارج از کشور را محدود نمودند. روسیه با برقراری دیپلماسی فعال با کشورهای آسیایی که بیشتر این کشورها در مقابل تحریم‌ها مقاومت کرده‌اند، در حال جذب سرمایه‌گذاری کشورهای آسیایی بوده و با این راهبرد کاهش روابط با کشورهای غربی را جبران نموده است. انتقال نفت از طریق خطوط لوله از عوامل تأمین امنیت تقاضای نفت را به همراه داشته و به خاطر همین تحریم‌هایی که معمولاً بسته می‌شود تأثیری روی قراردادهای انتقال نفت و گاز از طریق خطوط لوله ندارد. بر این اساس روسیه یکی از سیاست‌های راهبردی خود را در حیطة حمل‌ونقل، انتقال نفت و گاز از طریق قراردادهای بلندمدت و خطوط لوله بود. افزایش نقش شرکت‌های بین‌المللی در روسیه از استراتژی این کشور برای به دست آوردن فناوری یا دسترسی یافتن به شبکه صادرات گاز و نفت آن‌ها است. به‌علاوه وابسته‌سازی نفت موردنیاز کشورهای همسایه و حتی منطقه خاورمیانه و اروپا برای استفاده از نفت و گاز به‌عنوان اهرم قدرت از راهبردهای اصلی روسیه است.

برخی از مهم‌ترین برنامه‌های عملیاتی در حوزه نفت و گاز مشترک کشور با روسیه می‌تواند در حوزه‌های ذیل باشد. اولین همکاری بسیار ضروری با روسیه انعقاد قرارداد دوجانبه بانکی یا پیمان مبادله باشد تا از این طریق کمبود ارزهای بین‌المللی اقتصاد کشور را با توجه به ممنوعیت انتقال ارز جبران شود. به این صورت که خرید کالاهای وارداتی از روسیه به‌صورت روبل انجام گیرد و طرف روسی نیز با ریال خریدهای خود را انجام دهد. امکان پوشش ریسک کاهش ارزش روبل نیز با استفاده از روش‌های بازار بین‌المللی ارز وجود دارد.

استفاده از خطوط لوله صادرات نفت و سوآپ با روسیه یکی از راه‌های مقابله با تحریم‌ها است. در این ارتباط خط لوله نفتی نکا به تهران دارای ظرفیت ۳۰۰ هزار بشکه در روز است از این خط لوله می‌توان برای صادرات ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه در روز از ماچ‌کالا روسیه به اروپا استفاده نمود که این میزان در ماه حدود ۲ میلیون بشکه می‌شود. در حال حاضر ترکمنستان از طریق خط لوله روسیه ۱۰۰ هزار بشکه در روز صادرات دارند. امکان سوآپ نفتی نفت ایران به جای نفت صادراتی به اسار هند و در مقابل صادرات نفت روسیه به چین وجود دارد. همچنین، صادرات نفت به پالایشگاه‌هایی که روسیه در مناطق مختلف سهامدار آن‌ها است این موضوع در صورتی تحقق می‌یابد که رویکرد رقابتی کشور در حوزه سهم بازار با روسیه، تبدیل به رویکرد همکاری گردد.

روسیه در حال انعقاد قرارداد ال ان جی با پاکستان است این در حالی است که کشور ایران دارای قرارداد صادرات گاز به پاکستان از طریق خط لوله بوده است و خط لوله انتقال تقریباً تا مرز این کشور نیز کشیده شده اما طرف پاکستانی به تعهد خود برای ساخت خط لوله انتقال عمل ننموده و مشکل مالی را عامل اصلی آن مطرح کرده است. در این راستا روسیه می‌تواند در سرمایه‌گذاری خط لوله داخل پاکستان کمک نماید. به علاوه، روسیه علاقه‌مند به صادرات گاز به هند از طریق خط لوله چابهار به هند است و در این خصوص با هندی‌ها نیز مذاکره نمودند. این پروژه نیز می‌تواند با مشارکت روسیه انجام گردد.

پی‌نوشت

۱. معمولاً شش ماهه، یک ساله و یا حتی دائمی که اصطلاحاً در این حالت به آن Evergreen گفته می‌شود

منابع

اطهری، سید اسدالله. شعیب، بهمن. علی پور، محمدرضا (۱۳۹۱). «نقش انرژی در توسعه روابط روسیه و ترکیه». نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۱: ۲۰ - ۱.

رمضان‌زاده، عبدالله. حسینی، حمید (۱۳۸۹). «جایگاه گاز پروم در راهبرد انرژی روسیه». نشریه مطالعات اوراسیای مرکزی، بهار و تابستان ۱۳۸۹، دوره ۳، شماره ۶: ۴۱ - ۶۶.

حقایق صابری، علی رحمت. طهمورث، حسنتلی. آقازاده، هاشم (۱۳۹۷). «روابط تجاری ایران و روسیه؛ راهبردی برای توسعه تجارت غیرنفتی». فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی بیست و هفتم: ۲۸۱ - ۳۱۲.

متقی، ابراهیم. پوستین‌چی، زهره. مجردی، سعید. حیات‌مقدم، امیر (۱۳۹۳). «عمل‌گرایی راهبردی در روابط جمهوری اسلامی ایران و روسیه». فصل‌نامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶: ۱۱۷ - ۱۴۷.

معین‌الدین، جواد. انتظارالمهدی، مصطفی (۱۳۸۹). «امنیت انرژی و دیپلماسی انرژی روسیه». دانش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۷۸: ۱۹۵-۲۲۶.

U.S. Energy Information Administration, Country Analysis Brief: Russia.

EIA estimates based Global Trade Tracker.

EIA estimates based on International trade data, Eurostat and Russian. export statistics and partner country import statistics, Global Trade Tracker.

International Atomic Energy Association, Power Reactor Information Service.

Argus, Methodology and specifications guide, Argus crude, "Asia-Pacific, Sudan, ESPO Blend, Sakhalin Island assessments, (August 2017): p 24.

BP Statistical Review of World Energy 2017 – Underpinning data (accessed

July 5, 2017).

Russian export statistics and partner country import statistics, Global Trade Tracker.

Gazprom, Zapolyarnoye field, accessed August 15, 2017.

www.spglobal.com/platts

Russia's Energy Weapon, «Business Week (April,28,2006). Available at: http://www.businessweek.com/rmediacenter/podcasts/international/international_04_28_06.htm (accessed May 9, 2010). Simpson, Emma. 2006.

Russia Wields An Energy Weapon»,BBC World News (February 14). Available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/4708256.stm>.

Stern et al. The Russo-Ukrainian Gas Dispute of January (2009): p 61.

Kovacevic, Aleksandar. (2009). The Impact of the Russia-Ukraine Gas Crisis in South Eastern Europe (Oxford: Oxford Institute for Energy Studies): p 19

Jong, Dick de, Coby van der Linde, and Tom Smeenk (2010). "The Evolving Role of LNG in the Gas Market: The EU Gas Market as a Case Study. In A. Goldthau and J. M. Witte (eds), Global Energy Governance: The New Rules of the Game (Washington, DC: Brookings Press): pp 221-246.

Stern, Jonathan, Simon Pirani, and Katja Yafimava. 2009. The Russo-Ukrainian Gas Dispute of January 2009: A Comprehensive Assessment (Oxford: Oxford Institute for Energy Studies); Yafimava, Katja and Jonathan Stern. 2007. "The 2007 Russia-Belarus Gas Agreement, «Oxford Energy Comment (January); Stern, Jonathan. 2007. "Gas-OPEC: A Distraction from Important Issues of Russian Gas Supply to Europe», Oxford Energy Comment 2; and Goldthau, Andreas. 2008. "Resurgent Russia? Rethinking Energy Inc. Five myths about the 'energy superpower', Policy Review 147 (February/ March): 53-63.

Lefevre, Energy Security and Climate Policy: Assessing Interactions.

Stirling, Andy (2010). "Multicriteria Diversity Analysis: A Novel Heuristic Framework for Appraising Energy Portfolios, Energy Policy 38(4). Available at: doi: 10.1016/j.enpol.2009.02.023.

Randall Newnham (2011). "Oil, carrots, and sticks: Russia's energy resources as a foreign policy tool", Journal of Eurasian Studies, Volume 2, Issue 2, July 2011: pp 134-143

- Kaufmann & Robert, K. (2011), The role of market fundamentals and speculation in recent price changes for crude oil.
- Pindyck & Robert, S. (2001a), “The dynamics of commodity spot and futures markets: a primer”, the energy journal, 22(3), 1-29.
- Pindyck, R.S. (1978a), Gains to Producers from the Cartelization of Exhaustible, Review of Economics and Statistics, Vol. 60, No. 2 (Apr. 1978), pp. 238-251.
- Pindyck, R.S. (1977a), Cartel Pricing and the Structure of the World Oil Market, Bell Journal of Economics, 8(2), Autumn.
- Handbook of oil politics, Robert E Looney, Routledge, 2012, p257

سایت های مورد استفاده در منبع

تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن، ۲۰۱۹) برگرفته از سایت <http://Argus.com>.

تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (ژوئن، ۲۰۱۹) برگرفته از سایت <http://Platts.com>

تحلیل ماهانه بازار نفت خام در بازارهای مختلف، (دسامبر ۲۰۱۸) برگرفته از سایت <http://eia.com>

